



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د، ش ۴ (پیاپی ۳۹)، مهر و آبان ۱۳۹۶، صص ۱۴۹-۱۷۳

## تأثیر مسائل ایدئولوژیک در کیفیت ترجمه اخبار عربی (بررسی موردی ترجمه خبر شبکه الجزیره در خبرگزاری فارس براساس الگوی جولیان هاوس)

عیسی متقی‌زاده<sup>۱</sup>، سید علا نقی‌زاده<sup>۲</sup>

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۷/۲۵

دریافت: ۹۵/۵/۳۱

### چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل چالش‌برانگیز و مورد بحث در فرآیند ترجمه، موضوع دخالت‌ها و تأثیرهای ایدئولوژیکی بر این فرآیند است. دخل و تصرف در ترجمه هنگامی رخ می‌دهد که یک مترجم پس از رهایی از بافت و سیاق متن زبان مبدأ، بخواهد از ساختار شکلی و محتوایی آن رهایی یابد و آن متن را با توجه به شرایط رسانه‌ی متنوع و مخاطبان آن بازنویسی کند و در نتیجه، نقش متن را در زبان مقصد تغییر دهد. در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود که نحوه تغییرات ایدئولوژیکی و گفتمانی در فرآیند ترجمه اخبار عربی به فارسی بررسی شود. برای این منظور، الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه «جولیان هاوس» که نگاهی دقیق به وضعیت دخالت‌های ایدئولوژیکی در متن دارد، به‌عنوان متد تحقیق انتخاب شد. در فرآیند بررسی، یک متن خبری از شبکه الجزیره انتخاب و ترجمه آن در خبرگزاری فارس به‌روش توصیفی و تحلیلی ارزیابی شد. در نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، ژانر متن چندان دستخوش تغییر نشده است؛ اما به دلیل دخالت‌های مترجم در گفتمان و ایدئولوژی متن مبدأ و تغییر در نوع پردازش آن، سرانجام نقش اصلی متن تغییر یافته و به‌صورت متن متناسب با گفتمان و سیاست‌های رسانه‌ای خبرگزاری فارس درآمده است.

واژگان کلیدی: ترجمه خبری، سیاق کلام، جولیان هاوس، ایدئولوژی، گفتمان، زبان‌شناسی نقش‌گرا.

## ۱. مقدمه

از آنجا که ترجمه متون مطبوعاتی ابزاری برای ارتباط با سایر کشورها است و در انتقال اطلاعات به یکدیگر تأثیری به‌سزا دارد، اهمیت دادن به تمامی جنبه‌های آن ضروری است. در عصر حاضر، بسیاری از رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری وجود دارند که روزانه حجم زیادی از اخبار داخلی و خارجی را از طریق خبرنگاران و مترجمان خود منتشر می‌کنند. در اینجا، نقش مترجمان ماهر و زبردست تجلی می‌کند؛ به‌طوری که این رسانه‌ها بخشی عمده از امکانات خود را برای جذب مترجمان کارآمد و متخصص صرف می‌کنند و اکنون مترجمان درمیان محافل رسانه‌ای جایگاهی مهم یافته‌اند.

ارزیابی کیفیت ترجمه تا قبل از ورود الگوهای زبان‌شناسی به حوزه مطالعات ترجمه، بیشتر بر بررسی سطوح واژگانی و دستوری متمرکز بود و با پیشرفت و گسترش این رشته و به کارگیری الگوهای ارزیابی جدید، توجه پژوهشگران به تأثیر مسائل شخصی، فرهنگی و ایدئولوژیک در ترجمه بیشتر شد؛ زیرا گاهی برخی دخالت‌های گفتمانی و ایدئولوژیک مانع می‌شوند که یک مترجم (به‌ویژه در حوزه مطبوعات) متنی را که در اختیار دارد به بهترین وجه ترجمه کند؛ هرچند او آزاد است در شکل و محتوای متن ترجمه دخل و تصرف کند. در فرآیند ترجمه، مترجم همواره با ایدئولوژی‌های گوناگونی درگیر است که در انتخاب‌های زبانی او ایفای نقش می‌کنند. این ایدئولوژی‌ها عبارت‌اند از: ایدئولوژی مؤلف متن مبدأ، ایدئولوژی کارفرما، ارجحیت‌های عقیدتی مخاطب هدف و دیدگاه‌های فکری خود مترجم (خان‌جان، ۱۳۹۲: ۲).

فرکلاف (۱۹۸۹) ایدئولوژی را بازنمود جهان از منظر منافی خاص می‌داند. این تعریف برداشتی عام از مفهوم ایدئولوژی به‌دست می‌دهد که به یک حوزه به‌خصوص محدود نمی‌ماند و منافع موردنظر در آن دربردارنده علایق سیاسی، مذهبی، اخلاقی، فرهنگی و یا هر نوع علایق دیگر است. در مسیر فرآیند نقل و انتقال، موانع و محدودیت‌هایی نیز وجود دارد که ممکن است بر تصمیم‌ها و راهبردهای مترجم تأثیر بگذارد. از جمله مقوله‌های نشانه‌شناختی که ممکن است چنین محدودیت‌هایی را ایجاد کنند، ژانر (گفتمان‌گونه)، گفتمان<sup>۱</sup> و متن<sup>۲</sup> هستند؛ چون هر یک از این‌ها حامل اصول، قراردادهای، باورها و ارزش‌هایی خاص است که ممکن است در دو فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد لزوماً یکسان نباشند (حتیم و میسن، ۱۹۹۰). حتیم و میسن (۱۹۹۰) در چارچوبی که برای پژوهش ابعاد ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد داده‌اند و بعد آن را بررسی کرده‌اند (نک: حتیم

و میسن، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷؛ میسن، ۱۹۹۴)، در سه مقوله مرتبط با هم (گفتمان‌گونه، گفتمان و متن)، جنبه‌های ایدئولوژی در ترجمه را بررسی کردند. در این راستا، فرآیندهای حاکم بر پدیدآوری و پذیرش متن و نیز قواعد بلاغی دو زبان مبدأ و مقصد در نظر گرفته می‌شوند. از دیدگاه آنان، سه مقوله یادشده به‌عنوان نظام‌هایی نشانه‌شناختی تلقی می‌شوند که ایدئولوژی در قالب آن‌ها متجلی می‌شود. بنابراین، به‌گفته میسن، «بهترین راه بررسی نقش و ابعاد ایدئولوژی در ترجمه، به کارگیری این چارچوب است» (Mason, 1994: 26).

دخل و تصرف در ترجمه هنگامی رخ می‌دهد که یک مترجم پس از رهایی از بافت و سیاق متن زبان مبدأ، بخواهد از ساختار شکلی و محتوایی آن رهایی یابد و آن متن را با توجه به شرایط رسانه‌ای متنوع و مخاطبان آن بازنویسی کند. در این فرآیند، ممکن است عوامل مختلفی دخالت داشته باشند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم تأثیر مناسب ترجمه تحت‌اللفظی، تفاوت شرایط دریافت مفاهیم در دو زبان مبدأ و مقصد و رغبت مترجم به تغییر شکل متن زبان مبدأ که چه‌بسا ممکن است برای فهم ساده آن دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زبانی داشته باشد. البته، مترجم در همه این مراحل، باید تلاش کند که محتوا و پیام اصلی متن زبان مبدأ را تغییر ندهد. گاهی این تغییرات باعث حذف ایده اصلی و تغییر نقش متن در زبان مقصد می‌شود. در این گونه موارد، تأثیر مسائل ایدئولوژیک و تفاوت‌های گفتمانی اهمیت بسیار زیادی دارد. تغییرات ایدئولوژیکی رخ داده هنگام ترجمه اخبار عربی به فارسی با توجه به سیاست‌های رسانه‌ای، مسئله اصلی پژوهش حاضر است و با توجه به الگوی زبان‌شناختی مورد نظر، قصد داریم براساس الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه که به زبان‌شناس آلمانی، خانم جولیان هاوس، تعلق دارد، چگونگی تغییر هویت زبانی متن مبدأ و کارکردهای ارزشی آن را تبیین کنیم. مهم‌ترین شاخصه‌ای که هاوس در نظر دارد، بررسی دخالت‌های ایدئولوژیک در فرآیند ترجمه است. برای این منظور، در این نوشتار، یک خبر از سایت خبری شبکه الجزیره را انتخاب و ترجمه آن را از خبرگزاری فارس به‌روش توصیفی و تحلیلی بررسی و گفتمان‌های موجود در آن دو و تأثیرات ایدئولوژیکی مترجم در متن مقصد را تبیین و تحلیل کردیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعات ترجمه با تکیه بر اسلوب تحلیل کلام که بر رویکردهای زبان‌شناختی مبتنی است، در

ایران سابقه‌ای بسیار ندارد. در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه را ارائه می‌کنیم.

مقاله خان‌جان (۱۳۹۱) مهم‌ترین اثری است که در آن، الگوی جولیان هاوس بررسی شده است. در این مقاله، ضمن معرفی الگوی هاوس، میزان کارآمدی و انتقادات وارد بر این روش بیان شده است.

عطاران (۲۰۱۰) در مقاله خود، در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان و به‌طور مشخص اثر فرکلاف (۱۹۸۹ الف) و الگوی پیشنهادی ون دایک (۱۹۹۸ الف)، نحوه تأثیر ایدئولوژی غالب در وبگاه خبری تابناک بر ترجمه متون خبری خارجی را بررسی کرده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که «جرح و تعدیل واژگان» و «حذف کنش‌ها/ویژگی‌های بد گروه خودی» بیشترین بسامد وقوع در ترجمه را داشته‌اند. پس از این دو، «جرح و تعدیل عناوین خبرها» بیشترین بسامد وقوع را داشته است که نشان‌دهنده اهمیت عنوان خبر در جهت دادن به تفسیر خوانندگان است. همچنین، یافته‌های نامبرده نشان می‌دهد که گونه‌های «مجهول‌سازی» و «دستکاری عاملیت» که در مطالعات تحلیل انتقادی گفتمان توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده‌اند، به‌ندرت در ترجمه متون موردنظر به‌کار رفته‌اند. به‌نظر می‌رسد که عطاران راهبردهای ترجمه‌ای متناظر با مربع ایدئولوژیک ون دایک را با ابزارهای زبانی منتهی به آن‌ها خلط نموده است؛ زیرا مثلاً «مجهول‌سازی» تنها یکی از ابزارهای «جرح و تعدیل عاملیت» است و هم‌ارز آن نیست. همچنین، عطاران دخالت‌های اعمال‌شده در محتوای ایدئولوژیکی اخبار در مطالعه خود را کاملاً به فرآیند ترجمه و نقش خود مترجم نسبت می‌دهد و این درحالی است که یافته‌های تحقیقات دیگر (حاج‌محمدی، ۲۰۰۵) تأثیرات ایدئولوژیکی عوامل واسطه بر تولید نهایی متون خبری در نظام مقصد را تأیید می‌کنند.

فرکلاف (۱۳۸۸) در مقاله خود، به‌دنبال پایه‌ریزی یک چارچوب تحلیلی به‌منظور پژوهش در نظم گفتمان سیاسی معاصر است. وی این چارچوب را کاربرد حوزه‌ای خاص از نسخه‌ای از تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند. او معتقد است که به‌منظور تحلیل متون و رویدادهای گفتمانی فردی، باید آن‌ها را در وضعیت‌های حوزه سیاسی و اجتماعی و چارچوب گسترده‌تر آن قرار داد و به مفهومی کلی از نظم گفتمان و نظم اجتماعی دست یافت؛ ازاین‌رو، باید به ترکیبی از دانش فرهنگی خود و بیانات مکتوب گفتمان سیاسی اتکا کرد.

حری (۱۳۸۷) در مقاله خود، الگوی جولیان هاوس را به صورت مختصر به عنوان متدی معرفی کرده است که گرایش به سمت خواننده متن دارد.

سلطانی و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله خود، با استفاده از روش کیفی تحلیل گفتمان انتقادی نشان می دهند که رسانه ها چگونه به شکلی جانبدارانه، گفتمان های سیاسی را بازنمایی می کنند. آن ها بعد از ارائه توضیحاتی مختصر درباره تحلیل گفتمان، عناصری را معرفی می کنند که هنگام تحلیل گفتمان های سیاسی ارائه شده در رسانه ها باید بررسی شوند و در نهایت، بازنمایی نقش ایران در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب الله در لبنان در شبکه «بی بی سی» را بررسی می کنند. آن ها به این نتیجه می رسند که شبکه بی بی سی در پوشش خبری حوادث جنگ ۳۳ روزه علیه ایران و حزب الله سوگیری آشکار داشته است.

فهیم و فتاحی (۲۰۰۶) در مقاله خود، بر مبنای فرضیه فرایز (۱۹۹۵)، در مورد تغییرات الگوهای آغازگری-بیانگری و شیوه های گسترش متن در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی در بافت گفتمان خبری بحث می کنند. با بررسی مقابله ای آن ها، معلوم می شود که الگوهای آغازگری-بیانگری متون مبدأ و مقصد مورد بررسی مشابه یکدیگر هستند. در تحقیق یاد شده، بحثی در مورد پیامدهای کارکردی تفاوت یا تشابه صوری الگوهای آغازگری-بیانگری و به طور مشخص بار ایدئولوژیک احتمالی حاصل از آن به میان نمی آید؛ در حالی که فرآیند مبتداسازی نوعاً متضمن برجسته سازی است (Brown & Yule, 1983: 135) و این خود احتمال کاربرد ایدئولوژیک فرآیند ذکر شده را مطرح می کند.

حاج محمدی (۲۰۰۵) در مقاله خود، نشان می دهد که اغلب رویکردهای ارزشیابی ترجمه که محققان و مدرسان ترجمه آن ها را به کار می برند، با نیازهای بازار ترجمه همخوانی ندارند. وی علاوه بر شرح شرایط کاری حاکم بر ترجمه خبر در خبرگزاری های ایرانی، از احتمال [همیشگی] انحراف عوامل تولیدکننده متون خبری مقصد از اصل خبر به اقتضای خطمشی فکری مؤسسه و آنچه در آن خبرگزاری ها به عنوان «اخلاق جاری» تلقی می شود، سخن می گوید. وی خاطر نشان می کند که معیار «تعادل نقشی» که هاوس (۲۰۰۱) برای ارزیابی ترجمه پیشنهاد می دهد، در محیط کار خبرگزاری ها کارساز نیست؛ زیرا کارفرمای ترجمه خود را محق می داند که بر اساس اخلاقیات و خطمشی های حرفه ای سازمانی که برای آن قلم می زند، از محتوای متن مبدأ فاصله بگیرد. همچنین، پیش نویس خبر ترجمه شده برای ویرایش زبانی

ویراستاران و احیاناً بازنگری محتوایی از صافی‌های متعدد گذر می‌کند تا نوبت به اعمال سلاقی و نظرات [نوعاً ایدئولوژیکی] ناشر، سازمان پخش خبر و نهادهای دولتی دخیل برسد (حاج‌محمدی، ۲۰۰۵: ۲۱۶). این نتیجه‌گیری یادآور این دیدگاه ورینن (۱۹۹۵) است که «در تمام مراحل ترجمه متون خبری که از انتخاب متون مبدأ آغاز می‌شود و تا انتشار واکنش خوانندگان به متون ترجمه‌شده ادامه می‌یابد، همواره درگاه‌دارانی حضور دارند که جریان اطلاعات را کنترل می‌کنند» (Bani, 2006: 38).

بخشنده و مصلی‌نژاد (۲۰۰۵) در مقاله خود این پرسش را طرح می‌کنند که آیا مترجمان ایرانی شاغل در مطبوعات ایران واقعاً درگیر ترجمه اخبار هستند یا اینکه آن‌ها را فرآفرینی می‌کنند. آن‌ها نتیجه گرفتند که مترجمانی که متون خبری فارسی را ترجمه می‌کنند، مترجم به معنای متعارف آن نیستند؛ بلکه نویسندگان خبر و گزارشگران خبری هستند. آن‌ها علاوه بر بررسی روال معمول در ترجمه خبر از فارسی به انگلیسی، بیان می‌کنند که مترجمان اخبار در گیرودار کار، همواره ناگزیر هستند که تغییراتی را در صورت و ساختار بلاغی متون مبدأ ایجاد کنند تا ویرایشگران خبری روزنامه متبوع خود را برای انتشار خبر مورد نظر قانع کنند. بخشنده و مصلی‌نژاد به‌صراحت بحثی درمورد تأثیرات احیاناً ایدئولوژیک این حذف و اضافات و تعدیلات بلاغی به‌میان نمی‌آورند.

خزاعی‌فر (۱۳۸۴) در مقاله خود، نظر هاوس درباره انواع ترجمه را طرح کرده است؛ اما رویکرد و الگوی او را بررسی نکرده است.

در هیچ‌یک از پژوهش‌های بالا، نظریه هاوس به‌طور عملی بررسی نشده و کاربرد عملی این نظریه در حوزه ترجمه مغفول مانده است. در پژوهش حاضر، به کاربرد عملی نظریه هاوس در ترجمه متون توجه می‌کنیم و این موضوع نقطه تمایز این پژوهش از پژوهش‌های قبل به‌شمار می‌رود.

ریاضی (۱۹۹۹) در تحقیق خود، هرچند قصد داشت که کاربرد الگوهای تحلیل متن را در ترجمه سرمقاله روزنامه‌های ایرانی نشان دهد، درعمل به‌جز پیشنهادی کلی چیزی درمورد جزئیات چگونگی یاری جستن مترجم از الگوهای تحلیل متن ارائه نکرد. وی کوشید که نشان دهد کلان‌ساخت بلاغی سرمقاله‌های روزنامه‌های فارسی‌زبان همچون سرمقاله‌های سایر زبان‌ها، ازجمله انگلیسی و ژاپنی، است و این موضوع به مترجم فارسی‌زبان فرصت خواهد داد که

علاوه بر آگاهی یافتن از ساختار کلان سرمقاله‌ای که برای ترجمه به وی واگذار شده است، در مورد ساختار کلی متنی تصمیم بگیرد که قرار است در زبان فارسی ایجاد کند. ریاضی در مورد پیامدهای ایدئولوژیک اشراف بر ساختار بلاغی متون خبری در ترجمه این متون صحبتی به میان نیاورده است.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

در دهه ۱۹۹۰، تحلیل کلام در مطالعات ترجمه اهمیت یافت که این موضوع نشان‌دهنده پیشرفت‌هایی در زبان‌شناسی کاربردی است. تحلیل کلام از این لحاظ با الگوی تحلیل متن<sup>۲</sup> کریستین نرد، متخصص آلمانی مسائل ترجمه، ارتباط دارد که سازماندهی متن در بالای سطح جمله بررسی و پژوهش می‌شود. با این حال، در زمانی که تحلیل متن معمولاً بر توصیف شیوه سازماندهی متون (ساخت جمله، انسجام و ...) تأکید دارد، تحلیل کلام به روشی نظر دارد که زبان، معنا و روابط اجتماعی و قدرت را منتقل کند. الگوی بسیار مؤثر تحلیل کلام را مایکل هالیدی، زبان‌شناس انگلیسی، پایه‌ریزی کرد. این الگو براساس چیزی است که وی آن را «دستور زبان نقش‌گرای نظام‌مند» می‌نامد.

اصطلاح «سیاق» نخستین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی، از سوی زبان‌شناسی به نام تامس رید معرفی شد و در دهه ۱۹۶۰، توسط گروهی از زبان‌شناسان گسترش یافت که به تمایز گونه‌های زبانی مرتبط با «کاربران زبان» برحسب ویژگی‌هایی همچون عوامل جغرافیایی، جنسیت و سن (از گونه‌های مرتبط با «کاربرد زبان»)، قائل بودند (Halliday, 1978: 110).

با توجه به موارد گفته‌شده، فرآیند ترجمه باید با تعدیل‌های مختلفی در سطوح واژگانی تا گفتمانی همراه باشد تا متن برای خواننده مقصد قابل فهم و منسجم شود. بنابراین، مترجم باید در برابر پیام و گفتمان موجود در متن احساس مسئولیت کند.

مترجم خبر باید مجموعه عوامل مؤثر در فرآیند تولید خبر را بشناسد تا بتواند گفتمان متن را شناسایی و به آن توجه کند. عملکرد رسانه‌ها در تولید اخبار تحت تأثیر دو عامل درونی و بیرونی است.

با وجود ارزش‌های خبری در ماهیت هر رویداد، عوامل جانبی دیگر در فرآیند تبدیل رویداد به خبر نقش دارند.

تحلیل سیاق الگویی است که در درک ما از تعامل بین ترجمه و زبان‌شناسی سهمی قابل توجه داشته است. پژوهشگران زبان بارها از رابطه بین «موقعیت‌های زبانی» و «گونه‌های زبانی» سخن گفته‌اند (Hatim & Munday, 2004: 187).

همان‌گونه که با قواعد دستور زبان می‌توانیم اسامی مرکب، بند و جمله بسازیم، با قواعد گفتمان می‌توانیم جمله‌ها را طوری بیان کنیم که به هم مرتبط باشند؛ به طوری که شنونده یا خواننده از جمله‌ای به جمله‌ای دیگر روان و راحت منتقل شود. قواعد گفتمان سبب می‌شود که جمله‌های پاراگراف ارتباطی منطقی و سالم با یکدیگر داشته باشند و به اصطلاح پاراگراف منسجم باشد. به کمک قواعد گفتمان می‌توانیم پاراگراف‌ها را با نظمی منطقی دنبال هم بیاوریم (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۷).

### ۳-۱. روش‌های آشکار و پنهان

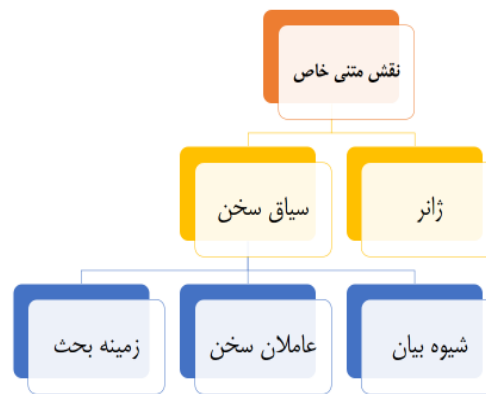
جولیان هاوس دو اصطلاح «روش پنهان» و «روش آشکار» را به کار برده است. در روش پنهان، هدف نوشتن ترجمه‌ای است که اصیل جلوه کند؛ درست مثل متن اصلی که از نظر خوانندگان آن، متنی اصیل و تألیفی به‌شمار می‌آید. به‌نظر هاوس، این روش برای ترجمه متونی مناسب است که جایگاه ویژه و مستقلی در زبان مبدأ ندارند و به زبان، فرهنگ، سنت یا تاریخ چندان وابسته نیستند. درمقابل، برخی متون در زبان اصلی جایگاه و اهمیتی ویژه دارند؛ یعنی برای مخاطبی خاص نوشته شده‌اند یا به زبان، فرهنگ، سنت یا تاریخ بسیار وابسته هستند. روش مناسب برای ترجمه این متون، روش آشکار است. در این روش، هدف نوشتن متنی است که ترجمه بودن آن کاملاً محسوس است. برای این کار، کافی است که بدون اینکه لازم باشد تغییراتی فرهنگی در متن پدید آوریم، برای کلمات متن مبدأ معادل‌هایی متناظر در زبان مقصد پیدا کنیم. این روش برای ترجمه خطابه‌های مذهبی، سخنرانی‌های سیاسی و برخی متون ادبی بسیار مناسب است (خزاعی‌فر، ۱۳۸۴: ۷۳).

### ۳-۲. الگوی جولیان هاوس

جولیان هاوس، زبان‌شناس و پژوهشگر صاحب‌نام مطالعات ترجمه، در سال ۱۹۴۲ میلادی در آلمان به دنیا آمد. وی مدارج تحصیلی خویش را در آلمان و کانادا تا مقطع دکتری زبان‌شناسی



کاربردی ادامه داد. هاوس اکنون عضو ارشد مرکز تحقیقات بنیاد علوم آلمان، مدیر گروه زبان شناسی کاربردی و رئیس برنامه‌های دکترا در دانشگاه helenic american university است. الگوی ارزیابی ترجمه او بر «روش سیاق کلام» مبتنی است.



شکل ۱: الگوی ارزیابی ترجمه جولیان هاوس

Table 1. Table of Julian House Pattern

سامیه بزّی الگوی هاوس را رویکردی تجویزی تلقی نموده است؛ یعنی به عقیده او، هاوس مترجم را به سمت تشخیص نقش کلی متن مبدأ، تشخیص نوع سیاق و نهایتاً مقابله متون مبدأ و مقصد برای استخراج تغییرات سیاق گفتمان و موارد ناهمخوانی در نقش بینافردی که مبین دیدگاه یا نیت مؤلف است، سوق می‌دهد و این شیوه تعیین تکلیف ماهیتاً تجویزی است (Bazzi, 2009: 203).

هاوس با تأکید بر اهمیت تعادل به‌عنوان محوری‌ترین مفهوم ترجمه، ضمن نقل سخن کتفورد مبنی بر اینکه «مسئله محوری کنش عملی ترجمه پیدا کردن معادل‌های زبان مقصد است» و «وظیفه اصلی نظریه ترجمه تعریف ماهیت و شرایط تعادل ترجمه‌ای است» (Catford, 1965: 21)، اهمیت مفهوم تعادل را به نقد ترجمه نیز گسترش می‌دهد و آن را معیار اصلی ارزیابی کیفیت ترجمه قلمداد می‌کند (House, 2001: 135).

## ۳-۳. شرح الگوی هاوس

۳-۳-۱. ژانر<sup>۸</sup>

ژانرها (یک گزارش بازاریابی، یک موعظه، یک مقاله علمی و یا نامه‌ای به سهام‌داران) از لحاظ فرهنگی تعیین‌کننده رویدادهای ارتباطی هستند که توسط آرایش و ترکیب خاص واحدهای واژگانی و دستوری در متن تحقق می‌یابند. ژانر متن را با فرهنگ مرتبط می‌سازد؛ البته به طوری که یک نمونه متنی خاص با دانش مشترک درباره ماهیت متن‌های مشابه دیگر مرتبط است و یک مقصود ارتباطی را دربر دارند. سیاق سخن ارتباط‌های بین یک متن و بافت بلافصل آن را دربر می‌گیرد؛ اما ژانر یک متن را با بافت فرهنگی بزرگ‌تر زبان‌شناختی و فرهنگی جامعه‌ای مرتبط می‌کند که در آن قرار دارد. به سخن دیگر، در جایی که سیاق سخن را می‌توانیم با یک نوع از متن مرتبط بدانیم که به واسطه ویژگی‌های زبان‌شناختی‌اش تعریف می‌شود، ژانر را می‌توانیم نوعی از گفتمان به‌شمار آوریم که با نقش ارتباطی‌اش در جامعه زبانی اجتماعی تعریف می‌شود. بنابراین، ژانر به‌منزله تحقق یک ترکیب خاص از این سه بُعد سیاق سخن است (هاوس، ۱۳۸۸: ۴۴).

۳-۳-۲. سیاق کلام<sup>۹</sup>

سیاق کلام از سه مؤلفه «زمینه بحث»، «عاملان سخن» و «شیوه بیان» تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها را در زیر توضیح می‌دهیم.

۳-۳-۲-۱. زمینه بحث<sup>۱۰</sup>

زمینه بحث دربرگیرنده موضوع بحث یا موضوع است. در اینجا، چنین سؤالاتی مطرح می‌شود که این متن درباره چیست و چه چیزهایی در متن وجود دارد. اگر تحلیل به این نتیجه برسد که زمینه بحث در متن اصلی و متن ترجمه‌شده یکسان است، این دو متن از لحاظ محتوایی گزاره‌ای<sup>۱۱</sup> (در آنچه مؤلف درباره‌اش صحبت می‌کند) با هم یکسان هستند (همان: ۴۳).

۳-۳-۲-۲. عاملان سخن<sup>۱۲</sup>

فحوای متن به ماهیت مشارکین (مؤلف و مخاطبش)، ارتباط بین آن‌ها از لحاظ قدرت اجتماعی و معاشرت و نظر عقلایی و عاطفی مؤلف (دیدگاه شخصی او) اشاره دارد. در اینجا، این سؤالات

مطرح می‌شود که چگونه مؤلف با خواننده و احتمالاً اشخاص توصیف‌شده در متن ارتباط برقرار می‌کند و چگونه مؤلف و خوانندگان از طریق متن با هم ارتباط برقرار می‌کنند. تعادل در فحوای متن به این معنی است که دو متن نمایاننده نوع یکسانی از تعامل بین‌فردی هستند (همان: ۴۳).

### ۳-۲-۳. شیوه بیان<sup>۱۳</sup>

شیوه بیان به مجرای ارتباطی، یعنی وسیله ارتباطی گفتاری یا نوشتاری، اشاره دارد که احتمالات بسیاری در بین این دو وجود دارد؛ مانند «نوشته‌شده برای خواندن» و «نوشته‌شده برای گفتار». در اینجا، این سؤالات طرح می‌شود که متن چگونه بیان می‌شود و از کدام وسیله ارتباطی و چگونه استفاده می‌شود. تعادل در بُعد «شیوه بیان» با وسیله ارتباطی در امر ارتباط مرتبط است. نتیجه تحلیل برحسب این طرح، یک پروفایل متنی است که در کلیت آن، ویژگی سیاق سخن یک متن خاص (نحوه ارتباط متن با عوامل بافتی خاص) را می‌سازد (هاوس، ۱۳۸۸: ۴۳).

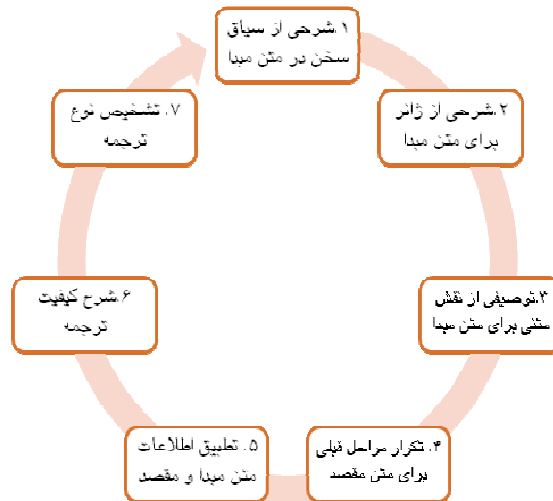
### ۳-۳-۳. تشخیص نوع ترجمه

در نظر هاوس، یک ترجمه آشکار ترجمه‌ای است که در آن، مخاطبان متن ترجمه‌شده کاملاً «آشکار» خطاب قرار نگرفته‌اند. به سخن دیگر، متن مقصد به اصلی بودن تظاهر نمی‌کند و به وضوح متوجه مخاطب متن مقصد نیست (House, 1997: 66)؛ مانند ترجمه متون ادبی که به فرهنگ زبان مبدأ وابسته هستند. با وجود چنین ترجمه‌هایی، هاوس معتقد است که تعادل را نمی‌توان در سطح نقش متن منفرد به دست آورد؛ زیرا محیط‌های کلامی که در آن‌ها متن مبدأ و متن مقصد به کار می‌روند با یکدیگر متفاوت هستند (Ibid: 112). در مقابل، هاوس یک «تعادل نقشی سطح دوم»<sup>۱۴</sup> را پیشنهاد می‌دهد که باید به آن دست یافت و در سطح زبان، همان سیاق سخن و ژانر است. متن مقصد ممکن است به نقش متن مبدأ دست یابد و در نتیجه، گیرندگان متن مقصد به «استراق سمع» متن مبدأ مشغول شوند (ماندی، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

هاوس ترجمه نهان را ترجمه‌ای می‌داند که در فرهنگ مقصد، جایگاه یک متن مبدأ و اصلی را دارد (House, 1997: 69). این متن مقصد به‌ویژه با فرهنگ یا مخاطب متن مبدأ مرتبط نیست. متن مبدأ و متن مقصد به‌طور مستقیم گیرنده مخصوص خودشان را خطاب قرار می‌

دهند. نقش ترجمه نهان «بازآفرینی، بازسازی یا نمایش آن نقش متن اصلی در متن ترجمه شده است که در چارچوب زبانی- فرهنگی و دنیای کلام ایفا می شود» (Ibid: 114).

#### ۳-۳-۴. مراحل اجرای الگوی جولیان هاوس



شکل ۲: مراحل اجرای الگوی جولیان هاوس  
Shape2. Steps of Julian House Pattern

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. تحلیل کیفی نمونه‌ای موردی

در این بخش، برای نشان دادن کاربرد عملی گفتمان، یک متن خبر از سایت خبری شبکه الجزیره و ترجمه آن از خبرگزاری فارس را انتخاب کردیم.

شبکه تلویزیونی الجزیره قطر برنامه‌های خود را با هدف بازتاب اخبار خاورمیانه در سال ۱۹۹۶ میلادی آغاز کرد. برخی معتقدند (محمد فهمی، خبرنگار سابق این شبکه در مصر) که الجزیره در چارچوب گفتمانی خود میان «ما» (عربی-اسلامی) و «دیگری» (غرب) تمایز قائل

است. این تمایزگذاری ایدئولوژیک موجب شده است که در چنین منازعاتی، ما همواره «قربانی» و دیگری همیشه «متجاوز» باشد. از این منظر، چارچوب کلی حاکم بر اخبار الجزیره مبتنی بر بازتاب ندادن علل بومی و منطقه‌ای یا ملی رویدادها است؛ چارچوبی که به‌عنوان اصلی پذیرفته شده طرح می‌شود و در آن، مهم‌ترین عامل در منازعات خاورمیانه، مداخله کشورهای خارجی در امور کشورهای منطقه است. از این‌رو، الجزیره تروریسم جاری در خاورمیانه را نتیجه «تهاجم خصم» و واکنش مقابل را «مقاومت توده‌ای» در عراق قلمداد می‌کرد (روزنامه شرق: ۲۳۳۳). در چنین بستری، الجزیره علاوه بر اینکه عملکردی «بی‌طرفانه» نداشته، کوشیده است با نمایش بیانیه‌ها و نوارهای صوتی و ویدئویی مرتبط با رهبران القاعده، از جمله بن‌لادن و ایمن الظواهری، از آنان با عنوان «قهرمانان جهان عرب» یاد کند. تداوم این گفتمان درباره تحولات عراق پس از جنگ موجب شد که الجزیره شبه‌نظامیان بعثی هوادار صدام را «مبارزان شهادت طلب» قلمداد کند.

این رسانه که با محور مقاومت در خاورمیانه مخالفت می‌کند، در بحران جاری سوریه نیز همه گروه‌های مسلحی را که در مخالفت با دولت می‌جنگند، به‌عنوان کلیتی واحد در نظر می‌گیرد و در مورد آن‌ها دیدی ایدئولوژیک دارد. الجزیره می‌کوشد به مخاطب این دید را القا کند که تمام این افراد علیه سرکوب، فساد و بیکاری قیام کرده‌اند؛ اما به آن دسته از تروریست‌ها اشاره‌ای نمی‌کند که از کشورهای خارجی به سوریه آمده‌اند و با اهدافی ایدئولوژیک با نیروهای دولت و هم‌پیمانان می‌جنگند (روزنامه شرق: ۲۳۳۳). با این اوصاف، می‌توانیم گفتمان شبکه الجزیره را گفتمانی براساس منافع غرب و استکبار جهانی قلمداد کنیم.

اما خبرگزاری «فارس» که خود را «فرزند ایران اسلامی» معرفی می‌کند و در سال ۱۳۸۱ شمسی فعالیت رسانه‌ای خود را آغاز کرده است، مرز فعالیت‌های خود را اصول «انقلاب اسلامی» گفته‌شده در قانون اساسی و منافع ملی ایران می‌داند. این خبرگزاری معتقد است به مسائلی که در جهان و منطقه پیرامون می‌گذرد نگاهی حزبی و طایفه‌ای ندارد و پیشرفت، سربلندی و سعادت ایران را درگرو وحدت و یکپارچگی ملی، دادگری و خردورزی می‌داند (خبرگزاری فارس: سخن ما). خبرگزاری فارس در طبقه‌بندی منطقه‌ای و جهانی جزو رسانه‌های مدافع محور مقاومت به‌شمار می‌رود و به‌طور مثال، معتقد است که بحران سوریه حاصل توطئه محور آمریکایی-صهیونیستی علیه محور مقاومت است که سوریه جزو آن است.

در نتیجه، گفتمان این رسانه را می توانیم جزو گفتمان مقاومت قلمداد کنیم. به این ترتیب، مشخص می شود که سیاست های رسانه های خبرگزاری فارس در تقابل با سیاست های رسانه های شبکه الجزیره است و نمونه های مناسبی از ترجمه متن در گفتمان های مخالف به دست خواهد آمد.

#### متن مبدأ: اشتباكات بالزبداني و المعارضة تبدأ معركة بجوبر

قال مراسل الجزيرة إن مروحيات النظام السوري استهدفت مدينة الزبداني في ريف دمشق بنحو عشرين برميلا متفجرا، وأمطرها بعشرة صواريخ منذ صباح اليوم، بينما أعلنت فصائل المعارضة في الغوطة الشرقية بدء معركة جديدة باسم «أيام بدر» لاسيما في حي جوبر في العاصمة السورية، في حين أعلنت المعارضة السورية المسلحة تقدمها في حلب شمالي البلاد وقتلها عشرات من قوات النظام.

ای و بينما أعلنت قناة المنار التابعة لحزب الله اللبناني أن قوات النظام و الحزب سيطرت على منطقة الجمعيات في غرب الزبداني، قالت مصادر من المعارضة لمراسل الجزيرة إن المعارك ما زالت مستمرة في المنطقة. و قال المراسل إن حصيلة قتلى النظام و حزب الله خلال الساعات الـ ٢٤ الماضية بلغت قتيلين من حزب الله خمسة جرحى، إضافة إلى ستة قتلى من جنود النظام بينهم ضابط. و نقل مراسلنا عن مصادر داخل المدينة قولها إن قوات النظام تحاول التقدم من المنطقة المعروفة بالجمعيات، كما نفذ الطيران الحربي السوري منذ الصباح عدة غارات بالبراميل المتفجرة. من جهته، أكد المرصد السوري لحقوق الإنسان دخول القوات النظامية مدعومة بحزب الله المدينة، موضحا أنه جاء إثر عملية عسكرية عنيفة قام خلالها الطيران منذ صباح اليوم «بالقاء ما لا يقل عن ١٢ برميلا متفجرا» على الزبداني، بالإضافة إلى قصفها بصواريخ «يعتقد أنها من نوع أرض أرض». و تشرف الزبداني على الطريق العام بين دمشق و بيروت و تعتبر إستراتيجية لحزب الله أكثر منها لمقاتلي المعارضة، إذ إن من شأنها أن تسهل تنقله بين سوريا و لبنان.

#### تقدم المعارضة

و بموازاة ذلك أعلنت المعارضة السورية المسلحة تقدمها في حلب و قتلها عشرات من قوات النظام، و ذلك بعد سيطرتها على مبنى البحوث العلمية الذي يعتبر بوابة حي حلب الجديدة، أول أحياء حلب الغربية. و قال القيادي في المعارضة في مدينة حلب إسماعيل ناصيف إن قواته تستعد لطرده قوات النظام من حلب و تحريرها بالكامل، و أضاف أن العملية أُعد لها بشكل جيد و وضع لها جدول زمني. و كانت قوات المعارضة المنضوية في غرفتي أنصار الشريعة و فتح حلب أعلنت أمس السبت سيطرتها على مبنى البحوث العلمية، كما سيطرت على أبنية أخرى مظلة على مقر المحابرات الجوية و كتبية المدفعية غربي مدينة حلب. و تعليقا على هذا التقدم في غرب حلب، قال الحبير في شؤون الشرق الأوسط توماس بيبريه لوكالة الصحافة الفرنسية إنه «التقدم الأول الحقيقي للمعارضين منذ ٢٠١٣»، حيث هاجمت المعارضة حلب في صيف ٢٠١٢ و سيطرت على أجزاء واسعة منها، و ظلت المدينة منقسمة بين النظام في

الغرب و المعارضة في الشرق حتى الآن (الجزيرة: ۲۰۱۵/۷/۵).

#### ۴-۱-۱. ژانر

این متن یک گزارش خبری است که فرد متخصص (خبرنگار) برای مردم عامی و غیرمتخصص نوشته است. این گزارش در سایت خبری شبکه الجزیره که مخاطب عام دارد، منتشر شده و ماهیت آن اطلاع‌رسانی است. به این ترتیب، ژانر متن از نوع گزارش خبری است.

#### ۴-۱-۲. زمینه بحث

این متن درباره پیشروی‌های نیروهای ارتش سوریه و معارضان سوریه در نقاط مختلف است. در این گزارش که توصیف‌کننده وضعیت طرفین درگیر است، نویسنده متن هنگام بیان حقیقت، آن را به رسانه مخالف خود نسبت می‌دهد (وینما أعلنت قناة المنار التابعة لحزب الله اللبناني أن قوات [...]، نویسنده برای تحت‌الشعاع قرار دادن اصل این خبر که به پیشروی نیروهای ارتش سوریه اشاره دارد و در گزارش الجزیره هم به آن توجه شده است، خبر را با ضدخبرهایی در حوزه‌های دیگر، مثل حلب یا ریف دمشق، ادامه داده که این یک شگرد خبری برای کم کردن اثر خبر اصلی است. این ضدخبرها در بخش‌های تکمیلی که با میان‌تیترهای جداگانه ذکر شده‌اند، قابل تشخیص هستند (از میان‌تیتر «تقدم المعارضة» تا آخر خبر). این ضدخبرها در خدمت سیاست‌های خبری الجزیره قرار دارند.

نویسنده خبر برای کم‌رنگ‌تر نشان دادن موفقیت حزب‌الله، از ذکر آمار اندک دو شهید حزب الله نیز غافل نمی‌شود و پس از بیان خبر پیشروی، بلافاصله آمار کشته‌های حزب‌الله را اعلام و از ذکر کشته‌های تروریست‌ها یا معارضان خودداری می‌کند.

یکی دیگر از موارد قابل توجه در این متن، استناد نویسنده متن به منابع مختلف (خواه حقیقی خواه توهمی) برای اثبات ادعاهای خود است. این منابع معارضان، دیدبان حقوق بشر سوریه، خبرنگار ما، فرماندهان معارض در شهر حلب و ... هستند. نویسنده برای پیشبرد اهداف رسانه خود، از استراتژی‌های زبان‌شناسی زیر استفاده کرده است:

- دوقطبی شدن و تقابل نظام سوریه و معارضان: اگرچه این تقابل به‌طور طبیعی بین طرفین وجود دارد، نوع اخبار نسبت‌داده‌شده به دو طرف متفاوت است. الجزیره نوشته است

نیروهای نظام به «شهر زبدانی» حمله کرده‌اند و مخاطب خیر چنین برداشت می‌کند که احتمالاً مردم عادی و غیرنظامیان هم قربانی حملات ارتش سوریه هستند؛ اما در خبررسانی دربارهٔ قربانیان حملات معارضان، به‌طور خاص تأکید شده است که آن‌ها از «نیروهای نظام» هستند (أعلنت المعارضة السورية المسلحة تقدمها في حلب شمالي البلاد و قتلها عشرات من قوات النظام). همچنین، در جمله «و بموازاة ذلك أعلنت المعارضة السورية المسلحة تقدمها في حلب و قتلها عشرات من قوات النظام»، تأکید شده که قربانی حملات معارضان فقط نیروهای ارتش سوریه بوده‌اند.

- اشاره به جزئیات دقیق دربارهٔ کشته‌شدگان ارتش سوریه و حزب‌الله لبنان: این اشاره‌های دقیق به جزئیات برای بزرگ‌نمایی هرگونه شکست و آسیب در جبههٔ مقابل انجام شده‌اند (و قال المراسل إن حصيلة قتلى النظام و حزب الله خلال الساعات الـ ٢٤ الماضية بلغت قتيلى من حزب الله و خمسة جرحى، إضافة إلى ستة قتلى من جنود النظام بينهم ضابط).

- ارجاعات خارجی هدف‌دار: در بخشی از متن که به ورود نیروهای ارتش سوریه به شهر زبدانی مربوط است، نویسنده برای تأکید بر درست بودن خبر گزارشگر الجزیره، به «دیده‌بان حقوق بشر» سوریه استناد کرده است (و نقل مراسلنا عن مصادر داخل المدينة [...] من جهة، أكد المرصد السوري لحقوق الإنسان دخول القوات النظامية مدعومة بحزب الله المدينة).

- تقابل و تکرار: بیشترین گویهای معنایی استفاده‌شده از سوی نویسنده، مطابق نظریهٔ هلیدی، تقابل و تکرار است. این تقابل و تکرار در خدمت اهداف ایدئولوژیک نویسنده قرار دارد.

- فرآیند مادی: نویسنده فرآیند مادی را بیشتر از فرآیندهای دیگر به‌کار برده است.

### ۳-۱-۴. عواملن سخن

نویسندهٔ متن خبرنگار شبکهٔ الجزیره است که تجربهٔ حرفه‌ای بسیاری در مسائل رسانه‌ای دارد. این سابقه و تخصص در نوع نگارش او دیده می‌شود که از موضع گفتمان حاکم بر رسانه، برای مخاطب وضعیت را تشریح می‌کند. به سخن دیگر، تکیهٔ نویسنده بر قدرت حرفه‌ای، او را به‌سوی نوشتن متنی کاملاً قاطع سوق داده است که پیام مدنظر رسانه را به ذهن مخاطب القا می‌کند. نویسنده با نوع پردازش زبانی که در متن انجام داده، در ژانر خبر دخالت ایدئولوژیک کرده است. زاویهٔ دید نویسنده سوم شخص است و از ضمیر «ما» فقط در یک



مورد استفاده کرده است (مراسلنا). او ضمیر سوم شخص را به این دلیل به کار برده است که خود را به عنوان ناظر بیرونی و بی طرف به خواننده القا کند؛ زیرا کاربرد ضمائر «من-ما» در این نوع متون، اشاره مستقیم به همراهی نویسنده با یکی از طرفین ماجرا است.

#### ۴-۱-۴. شیوه بیان

درباره این متن، تنها احتمال شکل متنی وجود دارد و احتمال اقتباس از سخنرانی، مصاحبه و ... تقریباً وجود ندارد؛ زیرا در سخنرانی یا متون شفاهی، کاربرد ضمائر «من-ما» آشکارا قابل تشخیص است. نکته دیگر این است که در هیچ بخشی از متن، عبارات و اصطلاحات غیرجدی دیده نمی شود. احتمال کاربرد این گونه عبارات و اصطلاحات در مورد متون شفاهی بیشتر است.

#### ۴-۱-۵. نقش متنی خاص

نقش اصلی این متن را به صورت زیر ارائه می کنیم:

این گزارش خبری در ظاهر تنها برای ارائه اطلاعات درباره درگیری های سوریه نوشته شده است؛ اما توجه به نکات گفتمانی و نوع پردازش خبر نشان می دهد که نویسنده در سراسر گزارش، تحت تأثیر ایدئولوژی رسانه قرار دارد و اطلاعات به نحوی چیده شده اند که موقعیت معارضان سوریه به عنوان گروه برحق تثبیت شود. تقابل موجود بین طرفین با تکیه بر گزارش هایی از منابع متعدد به تصویر کشیده شده است و منابع مورد استناد نویسنده هم طوری انتخاب شده اند که با سیاست های رسانه هماهنگ باشند. به سخن دیگر، بی طرفی در ارائه اطلاعات در این متن دیده نمی شود. نویسنده اصول حرفه ای را از نظر ژانر به صورت قابل قبولی رعایت کرده است؛ اما به دلیل دخالت های ایدئولوژیک و سیاست های رسانه ای، متن از حالت بی طرفی خارج شده است.

#### متن مقصد: اذعان الجزیره به پیشروی حزب الله و ارتش سوریه در زبدانی

پایگاه شبکه خبری الجزیره در خبری بیان کرد که حزب الله و ارتش سوریه مناطق جدیدی در شهر مهم زبدانی را تحت کنترل خود در آوردند.

شبکه خبری الجزیره در خبری به نقل از شبکه خبری «المنار» لبنان، به موفقیت های جدید ارتش سوریه و حزب الله لبنان در شهر مهم زبدانی سوریه اشاره کرد؛ اما به نقل از خبرنگار

خود گفت که درگیری در این شهر همچنان ادامه دارد.

این شبکه خبری برای کم‌رنگ کردن این خبر و موفقیت‌های حزب‌الله، بلافاصله به تعداد شهدای حزب‌الله اشاره کرد و نوشت: خبرنگار ما اعلام کرد که شمار کشته‌های نظام [سوریه] و حزب‌الله در ۲۴ ساعت گذشته به دو کشته از حزب‌الله و پنج زخمی و شش کشته از سربازان نظام که یک نفرشان افسر بود، رسیده است.

پایگاه خبری الجزیره همچنین در ادامه بیان کرد که نیروهای حزب‌الله و ارتش سوریه کنترل منطقه موسوم به «الجمعیات» را به دست آوردند و جنگنده‌های سوریه نیز صبح امروز چند حمله به این منطقه انجام دادند.

بنابر این گزارش، زبدانی بر مسیر اصلی دمشق-بیروت مشرف است و برای حزب‌الله از جنگجویان معارضان راهبردی‌تر است؛ زیرا تردد حزب‌الله بین سوریه و لبنان را ساده‌تر می‌کند.

الجزیره در ادامه برای تحت‌الشعاع قرار دادن این خبر، از پیشروی تروریست‌ها در دیگر مناطق سوریه خبر داد و نوشت که «به موازات این خبر، معارضان مسلح سوریه بعد از کنترل یافتن بر ساختمان پژوهش‌های علمی که دروازه منطقه جدید حلب و اولین محله غرب شهر حلب به شمار می‌رود، از پیشروی خود در حلب و کشتن ده‌ها نفر از نیروهای نظام خبر داد» (خبرگزاری فارس).

ژانر: ژانر متن همان ژانر متن اصلی است. متن مقصد نیز از نوع گزارش خبری است و از این نظر همانندی رعایت شده است.

#### ۶-۱-۴. زمینه بحث

متن ترجمه نیز درباره درگیری ارتش سوریه و معارضان مسلح است. متن توصیف‌کننده اقدامات طرفین درگیر در جنگ است و از این منظر، مشابه متن اصلی است؛ اما نوع گزارش نویسی خبرگزاری فارس موجب تمایز آن می‌شود. مترجم خبرگزاری فارس با آگاهی درباره ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر شبکه الجزیره، تلاش کرده است ضمن حفظ اطلاعات موجود در متن اصلی، عملکرد مغرضانه این شبکه را یادآوری کند و به مخاطب در این زمینه آگاهی‌های لازم را بدهد.

از نظر معادل‌یابی واژگانی و اصطلاحی، ترجمه از کیفیت مناسبی برخوردار است. فرآیندهای به‌کاررفته در متن اصلی به همان شکل در متن مقصد وجود دارند؛ اما مترجم برای هماهنگی متن با سیاست‌های رسانه متبوع خویش، ناگزیر شده است که در این راستا، تغییراتی را انجام دهد و توضیحاتی را ارائه کند. برای نمونه، متن به‌طور کامل ترجمه نشده است و بخش دوم متن که از میان‌تیر آغاز می‌شود، در متن مقصد به‌طور کامل حذف شده و در عوض توضیحاتی درباره عملکرد شبکه الجزیره به متن اضافه شده است.

به تقابلی که در متن اصلی بین نوع خبررسانی درباره عملکرد ارتش و معارضان وجود دارد، در متن مقصد به‌صورت آگاهانه اشاره شده است (این شبکه خبری برای کم‌رنگ کردن این خبر و موفقیت‌های حزب‌الله، بلافاصله به تعداد شهدای حزب‌الله اشاره کرد و ...).

مترجم در متن مقصد تلاش کرده است شگردهای خبری الجزیره را برای مخاطب توضیح دهد. برای نمونه، جمله «الجزیره در ادامه برای تحت‌الشعاع قرار دادن این خبر، از پیشروی تروریست‌ها [...]» به مخاطب آگاهی می‌دهد که در متن اصلی، چنین اطلاعات به‌شکلی خاص بوده و در متن ترجمه، تغییر یافته است. مترجم خبرگزاری فارس برای روشن شدن ذهن مخاطب، در این نمونه دلایل نوع خبررسانی رسانه منبع خبر (الجزیره) را توضیح می‌دهد (برای نمونه، اینکه چرا الجزیره خبر را به‌نقل از منابع مخالف نقل می‌کند)؛ اما بلافاصله ضدخبر را به نقل از منابع خودی یا منابع دیگر می‌آورد.

عملکرد مترجم خبرگزاری فارس نیز بسیار تحت‌تأثیر گفتمان حاکم بر رسانه و سیاست‌های آن است که در گفتمان‌های مخالف کشورهای ایران و عربستان ریشه دارد.

#### ۷-۱-۴. عواملان سخن

نوع نگارش نویسنده در متن اصلی و ترجمه با یکدیگر متفاوت است. نویسنده در متن اصلی، مخاطب را فقط به‌عنوان پذیرنده پیام در نظر گرفته و به او اجازه نمی‌دهد که در فرآیندهای متن حضور داشته باشد؛ اما مترجم این شیوه را کنار گذاشته و به‌دلیل تقابل گفتمانی و اختلاف سیاست‌های رسانه‌ای، به‌طور مستقیم با مخاطب تعامل برقرار کرده است.

زاویه دید در متن ترجمه‌شده به‌گونه‌ای است که مخاطب همراهی مترجم را با خود احساس می‌کند. این نوع ترجمه شاید از دیدگاه‌های ارزیابی ترجمه مقبول نباشد که موافق حفظ اصالت متن مبدأ هستند؛ اما در نظر گرفتن شرایط گفتمان حاکم بر رسانه مقصد، مترجم را ناگزیر می‌

کند که زاویه دید خود را تغییر دهد.

از نظر کیفیت متن و سبک نگارش، مترجم در زبان فارسی مهارت کافی داشته و در بخش های ترجمه شده و حفظ کیفیت متن اصلی خطایی چشمگیر رخ نداده است. بزرگترین تغییر انجام شده حذف بخش دوم متن اصلی است. مترجم با نوع روایت خبر، در مورد موضع دانای کل نویسنده متن اصلی تردید ایجاد کرده است. استدلال مترجم این است که خبر اصلاً بی طرفانه نوشته نشده است.

#### ۸-۱-۴. شیوه بیان

شیوه بیان همانند متن اصلی، نشان دهنده یک متن مکتوب است که از سخنرانی و یا مصاحبه و ... اقتباس نشده است.

#### ۹-۱-۴. نقش متنی خاص

این متن مانند متن مبدأ برای ارائه اطلاعات درباره درگیری های نظامی در سوریه نوشته شده است. با این حال، با توجه به بررسی های انجام شده در بخش سیاق، به نظر می رسد که مترجم به دلیل اختلاف سیاست های رسانه ای، ناچار شده است که در متن، تغییرات گسترده ایجاد کند. کیفیت متن در پاراگراف های ترجمه شده پذیرفتنی است؛ اما جریان اطلاعات و پردازش متن به صورت گسترده تغییر یافته است.

#### ۱۰-۱-۴. تطبیق اطلاعات و شرح کیفیت ترجمه

ژانر: ژانر موجود در متن مبدأ در متن ترجمه به درستی رعایت شده است. هردو متن به ژانر گزارش خبری تعلق دارند.

زمینه بحث: در این قسمت، بین متن مبدأ و متن مقصد تفاوت آشکاری دیده می شود که به دلیل تقابل گفتمانی و اختلافات ایدئولوژیک بین دو رسانه منتشرکننده خبر است.

عوامل سخن: مترجم از این نظر، متن متفاوتی را ارائه کرده و دخل و تصرف فراوانی در عوامل سخن متن اصلی، ایجاد شده است.

شیوه بیان: شیوه بیان در متن مبدأ و مقصد مشابه و معادل یکدیگر است.

**پروفایل متنی:** در مجموع، مترجم در انتقال ژانر و شیوه بیان، عملکردی مناسب داشته است؛ اما در بخش سیاق، تغییرات و اختلافات متن مبدأ و مقصد بسیار زیاد است. به نظر می رسد که این اختلافات به دلیل تفاوت گفتمانی ایجاد شده است.

**تشخیص نوع ترجمه:** ترجمه از نوع ترجمه آشکار است.

## ۵. نتیجه گیری

در بررسی میزان تأثیر دخالت‌های ایدئولوژیک در فرآیند ترجمه متون خبری در تغییر نقش متن در زبان مقصد، با ارزیابی عملی یک متن خبری شبکه الجزیره و متن ترجمه شده آن در خبرگزاری فارس، به عنوان رسانه‌هایی که سیاست‌های مخالف یکدیگر دارند، مشخص شد که فرآیند ترجمه علاوه بر تعدیل‌ها و تغییرات معمول، مانند تغییر در سطح واژگانی و دستوری، ممکن است با تغییرات گفتمانی همراه باشد. این تغییرات ممکن است به تغییر نقش متن در زبان مقصد منجر شوند که در متن بررسی شده در پژوهش، همین اتفاق افتاده است. مترجم متون خبری در رسانه‌های مختلف در مورد پیام و گفتمان موجود در متن، بسیار سختگیر است و تلاش می‌کند آن را به نحوی با گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر رسانه خویش هماهنگ کند. به این ترتیب، مترجم خبر باید مجموعه عوامل مؤثر بر فرآیند تولید خبر را بشناسد تا بتواند گفتمان متن را شناسایی و به آن توجه کند. الگوی هاوس با تکیه بر توجهی خاص که به تغییر نقش متن دارد، به خوبی اختلاف بین وضعیت متن در زبان مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد. در نمونه بررسی شده در این پژوهش، ژانر متن چندان دستخوش تغییر نشده است؛ اما به دلیل دخالت‌های مترجم در گفتمان و ایدئولوژی متن مبدأ و تغییر در نوع پردازش آن، سرانجام نقش اصلی متن تغییر یافته و به صورت متن متناسب با گفتمان و سیاست‌های رسانه‌ای خبرگزاری فارس درآمده است. به سخن دیگر، مترجم با انتخاب روش «ترجمه آشکار»، دخل و تصرف‌های خویش را در قسمت زمینه‌ای متن انجام داده است.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. discourse
2. text
۳. کریستین نرد الگوی نقش‌گرایی مفصل‌تری را ارائه می‌کند که از عناصری از تحلیل متن ترکیب شده

است و ساختار متن را در سطح جمله یا بالاتر از سطح جمله بررسی می‌کند. الگوی نرد تحلیل مجموعه-ای پیچیده از عوامل بیرون‌متنی مرتبط به هم و ویژگی‌های درون‌متنی در متن مبدأ را دربر می‌گیرد. هدف وی ارائه کردن الگویی از تحلیل متن مبدأ به دانشجویان ترجمه است که برای تمامی انواع متن و مطالعات ترجمه اعمال شود. این الگو براساس یک مفهوم نقش‌گرا استوار است و فهمیدن نقش ویژگی‌های متن مبدأ و انتخاب استراتژی‌های ترجمه مناسب با هدف موردنظر، ترجمه را ممکن می‌کند.

4. Christiane Nord
5. SFL
6. covert translation
7. overt translation
8. genre
9. context of speech
10. field
11. register
12. tenor
13. mode
14. second-Level Functional Equivalence

## ۷. منابع

- حری، ابوالفضل (۱۳۸۷). «حضور مترجم در متن روایی». *پژوهش زبان‌های خارجی* دانشگاه تهران. ش ۴۶، صص ۳۵-۵۲.
- خان‌جان، علیرضا (۱۳۹۱). «بازخوانی الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه جولیان هاوس». *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*. ش ۲۸۱، ص ۹۳۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). «اثر ایدئولوژی بر ترجمه خبر: یک مطالعه موردی». *مطالعات زبان و ترجمه دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۹، صص ۱-۴۸.
- خبرگزاری فارس. <http://www.farsnews.com/aboutus>
- خزاعی فر، علی (۱۳۸۴). «نظریه ترجمه، دیروز و امروز». *نامه فرهنگستان فرهنگستان زبان و ادب فارسی*. ش ۲۸، صص ۶۹-۷۹.
- سلطانی، سید علی‌اصغر؛ تفضلی، بیژن و رضا صدقی چوکائلو (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها». *علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*. ش ۴۲، صص ۶۵-۹۴.
- شبکه خبری الجزیره.

<http://bit.ly/1JOvShm>

- روزنامه شرق.

<http://bit.ly/2dqFeGa>

- صلح‌جو، علی (۱۳۷۷). *گفت‌وگو و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۸). «چارچوبی برای تحلیل گفت‌وگو سیاسی در رسانه‌ها». ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی و محسن ناصری راد. *علوم سیاسی* دانشگاه باقرالعلوم. ش ۴۷. صص ۱۶۸-۱۴۳.
- هوس، جولیان (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مطالعات زبان و ترجمه*. تهران: رهنما.
- ماندی، جرمی (۱۳۹۴). *معرفی مطالعات ترجمه*. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک. تهران: رهنما.

#### References:

- Attaran, A. (2010). *Translation of News Texts in Iranian Websites: The Case of Tabnak (A Critical Discourse Analytical Approach)*. Unpublished MA Thesis, Tehran: Allameh Tabatabae'i University.
- Bakhshandeh, E. & P. Mosallanejad (2005). "Journalistic transcreation: a new approach". *Translation Studies*. 3(9).Pp. 25-44.
- Bani, S. (2006). "An analysis of press translation process". In K. Conway & S. Bassnett (Eds.), *Translation in Global News* (Proceedings of the conference held at the University of Warwick on 23 June 2006) (Pp. 35-45). Warwick: The University of Warwick.
- Bazzi, S. (2009). *Arab News and Conflict, Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins*(203).
- Brown, G. & G. Yule (1983). *Discourse analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Catford, J. C. (1965). *A linguistic Theory of Translation*. Oxford University Press.
- Fahim, M. & A. Fattahi (2006). "Discoursal thematization processes in news

translation". *Translation Studies*. 4(13). Pp. 8-26.

- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London and Harlow: Longman.
- ----- (2009). "A framework for analysis of political discourse in media". Translation of A. Soltani & M. Nasser Rad. *Political Science* Baqer-ololum University. (47). Pp. 143-168 .[In Persian]
- Hajmohammadi, A. (2005). "Translation evaluation in a news agency". *Perspectives: Stdiies in Translatology*. 13(3). Pp. 215-224.
- Halliday, M.A.K. (1978). *Language as Social Semiotic; the Social Interpretation of Language and Meaning*. London: Edward Arnold.
- Hatim, B. & I. Mason (1990). *Discourse and the Translator*. London and New York: Longman.
- ----- (1991). "Coping with ideology in professional translating". *Interface: Journal of Applied Linguistics*. 6(1). Pp. 23-32.
- ----- (1997). *The Translator as Communicator*. London and New York: Routledge.
- ----- & J. Munday (2004) *Translation: An Advanced Resource Book*. Oxon & New York: Routledge.
- Horri, A., (2008). "Presence of translator in narrative text". *Foreign Language Studies* University of Tehran. (46).P p 35-52. [In Persian]
- House, J. (1997) *Translation Quality Assessment: A Modle Revisited*, Tubingen, Gunter Narr.
- ----- (2001) "How do we know when a translation is good?" in Erich Steiner and Colin Yallop (eds.), 127-160, *Exploring Translation and Multi-lingual Text Production: Beyond Content*. Berlin: Mouton De Gruyter.
- ----- (2009). *An Introduction to Language and Translation Studies*. First ed, Tehran: Rahnama Publication .[In Persian]



- Khanjan, A. (2012). Investigation of translation's pattern quality by Julian House". *Proceedings of Allameh Tabatabaei University*. (281). P. 932 [In Persian].
- ----- (2013). "The effect of ideology on translation of news: A case study". *Journal of Language and Translation Study Mashhad Ferdowsi University*. (9). Pp. 1-48. [In Persian]
- Khazaeifar, A. (2005). "Theory of translation, yesterday and today". *Journal of Farhangestan Persian Language and Literature Academy*. (28). Pp. 69-79. [In Persian]
- Mason, I. (1994). "Discourse, ideology, and translation". In R. D. Beaugrande, A. shunnaq, & M. H. Heliel (Eds.), *Language, discourse and translation in the West and Middle East* (Pp. 23-34).
- Mondy, J. (2012). *An Introduction to Translation Studies*. Translated by: A. Bahrami & Z. Tajik. First edition. Tehran: Rahnama publication. [In Persian]
- Riazi, A. M. (1999). "The contribution of text analysis into translation: The case of newspaper editorials". In K. Lotfipor Saedi (Ed.), *Proceedings of 3rd Tabriz Translation Conference* (Pp. 222-231). Tabriz: Tabriz University Press.
- Solhjoui, A. (1998). *Discourse and Translation*. First edition. Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
- Soltani, A.; B. Tafazolli & R. Sedqi (2008). "Media political discourse analysis". *Political Science Baqer-ol-olum University*. (42). Pp. 65-94. [In Persian]